

## عدالت در سیستم کامن‌لو

### فصل دوم

#### دادگاهها و طرزکار آنها

##### مقدمه

##### ۴

#### دادگاههای فوقانی<sup>(۱)</sup>

آنچه خصوصاً این دادگاهها را از دادگاههای طبقه پائین ممتاز میسازد، وجود قضات آزموده سالخورده‌ایست که ازین وکلای مدافع کارگشته طراز اول، با شرایط و ترتیب خاص، انتخاب و غالباً، برای تمام عمر، در رأس یک دادگاه، برمسند قضاوت تکیه میکنند؛ طریقه انتخاب این قضات را از بین وکلاء مدافع دادگستری، در مبحث مربوطه ملاحظه خواهیم کرد.

دادگاههای فوقانی شامل طبقات و انواع دادگاههاست که ذیلاً بشرح آنها

می‌پردازیم.

**اول - دادگاههای عالی<sup>(۲)</sup>** از نام این دادگاهها، که ترجمه نزدیکی از لفظ انگلیسی آنهاست، نباید تصور نمود که این دادگاهها عالیتین مرجع رسیدگی قضائی بشمار میروند؛ بلکه ریشه این تسمیه را بایستی در خصوصیات روحی و برتری طلبی آن چنان قومی جستجو کرد که در اواخر قرن نوزده (۱۸۷۵)، هم زمان با تحول قضائی، به نقطه اوج خود رسیده بود. برخلاف آنچه از اسم این دادگاهها برمی‌آید، نقش آنها رسیدگی بمراحل نهائی پرونده‌های قضائی نیست بلکه صلاحیتشان بموارد بدوی و استینافی منحصر گردیده است و از این جهت دادگاههای عالی بدو طبقه دادگاههای بدایت و استیناف تقسیم شده‌اند که ذیلاً بآنها اشاره می‌کنیم.

**۱ - دادگاههای بزرگ یا دادگاههای بدایت<sup>(۳)</sup>** این دادگاهها با بوری

رسیدگی میکنند که بسبب اهمیتشان، از صلاحیت دادگاههای حقوقی طبقه پائین خارج است، و بنابراین کلیه دعاوی حقوقی مهم، تا هر میزان که باشد، در صلاحیت آنهاست.

۱ - Superior Courts

۲ - The Supreme Court of Judicature

۳ - High Court of justice

از جهت تقسیم کار و استفاده از تجربه و آسودگی و تخصص قضات، دادگاههای بزرگ سه بخش تقسیم شده‌اند که عبارتند از بخش قراردادهای و خسارات (۱) - بخش چانسری (۲) - که با امور حسبی و وقف و امور انصاف رسیدگی میکند. بخش مربوط به وصایا و طلاق و امور بحری (۳) - با آنکه این تقسیم کار از نظر عمل دادگاه‌ها رعایت می‌گردد معیذاً از نظر تئوری هر یک از بخش‌های فوق صلاحیت رسیدگی به کلیه امور و انواع دعاوی را دارا می‌باشند و هر یک از سه بخش به تناسب احتیاج ممکن است از شعب متعدد تشکیل گردد.

رئیس بخش قراردادهای و خسارات لرد عالی‌جاه رئیس کل محاکم بدوی انگلستان (۴) نام دارد. در قسمت چانسری لرد چانسلر (۵) هنوز اسماً مقام ریاست فائده را داراست ولی عملاً بر مسند قضاوت نمی‌نشیند و بخش وصایا و طلاق نیز دارای یک مقام ریاست می‌باشد (۶) - هر شعبه دارای یک قاضی اصلی (۷) است - تعداد این قضات که مجموعه قضات سه بخش فوق را تشکیل می‌دهند در حدود ۵۰ نفرند.

این قضات که در مقام مقایسه سیستم گامن لو با سیستم لاتین برابر قضات دادگاههای شهرستان می‌باشند؛ چنانکه بعد خواهیم دید، از بین وکلاء مدافع طراز اولی انتخاب میشوند که لااقل ۱۰ سال بشغل وکالت اشتغال و دارای خصوصیات اخلاقی و علمی ممتاز بوده و کمتر از ۵۰ سال نداشته باشد - حقوق آنها در حدود یکصد هزار ریال تا ۱۰۰ هزار ریال در ماه می‌باشد. نکته جالب توجه آنست که در نظام تشکیلاتی دادگاههای انگلستان اهمیت خاصی برای مراحل اولیه دادرسی قائلند و توجه مخصوصی در رسیدگی دقیق دعاوی در مرحله ابتدائی مبذول می‌گردد و بهمین جهت قضاوت دادگاههای ابتدائی، که بنای هر پرونده بدست آنها پی‌ریزی می‌گردد، با شرایط ممتازی انتخاب میشوند، در صورتیکه در سیستم لاتین متأسفانه قضات دادگاههای ابتدائی از بین جوانترین و تازه‌کاران شغل قضاوت انتخاب شده‌اند و برخلاف انتظاری که از مقام شامخ عدالت و قوه قضائیه باید داشت، در نظام قضائی لاتین، سنین ۳۰ تا ۴۰، در دادگاههای ابتدائی شهرستان، قضاوت میکنند که موجب تنزل شأن دادگستری می‌گردد. با کمترین دقت و تأمل میتوان به آسانی قانع شد که سنین بین ۳۰ تا ۴۰ سالهای اولیه پس از خروج از محیط درس و ورود به محیط اجتماعی و قضائی است و شایسته قضاوت خوب بختگی اجتماعی است که بایستی علاوه بر تجربه و آسودگی قضائی با گذشتن ایام حاصل شود. کسی میتواند باسر قضاوت پردازد که گذشته از شرایط اخلاقی و علمی سالیان دراز در رشته امور قضائی سوی سپیده کرده باشد.

۱ - Queen's Bench Division

۲ - Chancery Division

۳ - Probate Divorce and Admiralty Division

۴ - Lord Chief Justice of England

۵ - Lord Cahnccellor

۶ - President of Probate Divorce and Admiralty Division

۷ - Puisne judge

مسئله لباس قضات، از سنت‌های پر ارج دستگاه قضائی بشمار سیاید و حائز اهمیت خاصی از نظر اجرای عدالت بوده، نه تنها در ایجاد روحیه ای مستقل و ممتاز، برای قضات نقش مؤثری ایفاء میکند؛ بلکه در روحیه اجتماعی و عظمت و ابهت دستگاه عدالت و نیز در انجام وظائف و کلاء در مقابل قضات و صلاحیتی که وضع مخصوص دادگاه در طرفین دعوی ایجاد میکند اثر بسزائی دارد (۱) با توجه باین نکات فلسفه وجود لباس و تزئینات مخصوص دادگاهها که در تمام کشورهای متمدن، باستثناء کشور ما، معمول و متداول است روشن میگردد. بنابراین نصب نشان و امثال آن که معرف وکیل بودن است، دارای آثار فوقی نخواهد بود، جز آنکه وکالت را از مقام معنوی و رفیع خود بمقام شاگرد دبیرستان مبدل میسازد.

(۱) - در محاکم ایران غالباً مشاهده میشود که قضات دادگاهها با آنکه مورد احترام همگان و بخصوص وکلاء دادگستری می‌باشند معهذا چون فاقد لباس مخصوص بوده و مانند یک مستخدم معمولی دولت پشت یک میز ساده نشسته اند و یا چون در یک اطاق ساده که از چهار دیوار گچی محدود شده با سر قضاوت میپردازند، کمتر مورد اعجاب واردین میگردند و از همین رو وکلاء و اصحاب دعوی و همراهان آنها بدون توجه بمقام و منزلت خاصی و یا ابهت دادگاه که ظاهراً از نظرشان پوشیده است، فرقی بین دادگاه و اطاق یک مستخدم معمولی نمیگذارند: بدون رعایت نزاکت صحبت میکنند. بین حرف یکدیگر میدوند و بطور ساختگی عصبانی میشوند، فریاد میزنند و با حرکت دادن دستها و ژست گرفتن و گوش ندادن حرف مخاطب و یا عدم توجه به گفتار قاضی و دهها حرکت ناشایست دادگاه را به یک اطاق معمولی تبدیل و شأن خود را تا سرحد مردم بازاری و کوچه و خیابان تنزل میدهند. در صورتیکه اگر محل دادگاه با جایگاه‌های بلند چوبی و نیمکت‌های مخصوص و جای شهود و محل مدافعات وکیل و دادستان مزین گردد و شاغلین بشغل قضائی با لباس بلند و آستین‌های گشاد و کلاه مخصوص که مظهر صلاحیت و وقار و متانت است در محضر دادگاه حاضر شوند نظم جلسه خود بخود بهتر رعایت شده، قاضی خود را محتاج بمداخله برای رفع مکابره متداعیین یا وکلاء آنها نمی‌بیند و با سکوت و شنیدن حرف و کلاء طرفین هم بر وزن و ارج او افزوده میشود هم قوه معنوی خود را که باید صرف اجرای عدالت و تمرکز به حل دعوی طرفین اختصاص دهد بپهلو تلف نمی‌کند و با این ترتیب عظمت دادگاه و متانت و اعتدالی قاضی اشخاص را ملزم به اطاعت از مقررات نزاکت و احترام شأن دادگاه مینماید و به اسر قضاوت یک نوع جنبه قدسی و معنوی که شایسته آن است خواهد داد نتیجتاً هرکس به آزادی و بدون احتیاج به عجله و شتاب و با اختصاص تمام افکارش به مدافعات سهم خود را در انجام وظیفه و اجرای عدالت انجام خواهد داد و فقط در این صورت است که تصمیم دادگاه سببی بر تفکر - تعقل - آراهش و تمرکز قوا خواهد بود و از شتابزدگی، تندگی، خستگی، خلق تنگی مصون خواهد ماند و از اینراه رأی سالم و تصمیم عدالت‌پسندانه‌ای از فکر سالم و متین قاضی صادر خواهد شد.

عزل و نصب قضات این دادگاهها و همچنین مسئله ترفیع و مصونیت قضات در قسمت مربوطه تحت عنوان استقلال قضات مورد مطالعه قرار خواهند گرفت. در این جا فقط به صلاحیت این دادگاهها میپردازیم.

الف - بخش قراردادها و خسارات - چنانکه فوقاً نیز اشاره گردید، از نظر تقسیم کار آزمودگی و تخصص صلاحیت اصلی (۱) این دادگاهها غالباً در مورد دعاوی ناشی از قراردادها و تعهدات و خسارات بطور کلی است این دادگاهها صرفاً بامور حقوقی تا هر میزان و مبلغ رسیدگی میکنند. دادگاه معمولاً از یک قاضی تشکیل میشود جز در مواردیکه استینافاً با حکام صادره از بعضی دادگاههای مادون میپردازد، که در این صورت از دو یا سه قاضی تشکیل میگردد و بنابراین وظیفه دیگر این دادگاهها در صلاحیت استینافی (۲) آنها خلاصه شده است.

سابقاً گفته شد سیستم دادگاههای مافوق (۳) انگلستان بصورت تمرکز اداره میشوند و از این رو این دادگاهها فقط در لندن در محل مخصوص بنام استراند (۴) یا چانسرلی لین (۵) تشکیل میگردند، معذاً، بمنظور جلوگیری از تراکم کارها در لندن، دادگاههای سیار فصلی (۶) از قضات مرکز تأسیس شده‌اند، از نقطه نظر صلاحیت، دادگاههای سیار فصلی، کشور به مناطق معین (۷) تقسیم شده و قضاتی که از بخش قراردادها و خسارات (۸) انتخاب شده‌اند، هر سه یا چهار ماه یک نوبت، باین مراکز عزیمت نموده و در مدت توقفی که بسته به نوع و میزان دعاوی است، بامور حقوقی که خارج از صلاحیت دادگاههای مادون است، رسیدگی مینمایند. یک قسمت دیگر از مهمترین کارهای دادگاههای سیار فصلی رسیدگی بامور جزائی بزرگ است که در هر نقطه، و در مواقعی که قضات بانجا عزیمت میکنند صورت میگیرد. دادگاه جنائی مرکز (۹) که در خیابان الدیلی (۱۰) لندن تشکیل میگردد در واقع همان دادگاه فصلی است که بسبب تراکم محاکمات جزائی پیوسته در لندن تشکیل است. ارجاع یک پرونده به مرکز و یا احاله آن به دادگاه سیار فصلی با توجه به سهولت امر رسیدگی، و رعایت حال اصحاب دعوی و خصوصاً شهود قضیه صورت میگیرد.

- ۱ - Original jurisdiction
- ۲ - Appellate jurisdiction
- ۳ - Superior Courts
- ۴ - Strand
- ۵ - Chancery Lane
- ۶ - Assize courts
- ۷ - Circuits
- ۸ - Queen's Bench Division
- ۹ - Central Criminal court
- ۱۰ - Old Balley

ب - بخش چانسری<sup>(۱)</sup> این بخش دارای دونوع صلاحیت اصلی<sup>(۲)</sup> و استینافی<sup>(۳)</sup> می باشد و همانطور که گذشت، اگرچه تمام بخش های دادگاههای بزرگ صلاحیت رسیدگی به تمام انواع دعاوی حقوقی را دارا می باشند. می توانند هم قانون (کامن لو)<sup>(۴)</sup> و هم مقررات انصاف<sup>(۵)</sup> را اعمال کنند، معینا، طبق رویه سابق، اموری که در گذشته به دادگاههای چانسری<sup>(۶)</sup> ارجاع میگردید فعلا نیز در بخش چانسری مورد رسیدگی قرار میگیرند در هر صورت بموجب ماده ۶-۵ قانون تشکیلات قضائی<sup>(۷)</sup> امور ذیل منحصرا راجع به بخش چانسری است.

۱ - اجرای تراست ها که عبارت از اجرای وقفنامه، قیمومیت، اداره امانات و سپرده ها و امثال آن ها می باشد. <sup>(۸)</sup>

۲ - اداره امور اموال متوفی که جزء امور حسبی است <sup>(۹)</sup> و

۳ - امور راجع به شرکت های مدنی <sup>(۱۰)</sup>

۴ - نگاهداری و تربیت صغار <sup>(۱۱)</sup>

۵ - حفظ و حراست و اداره اموال صغار (قیمومیت و سرپرستی) <sup>(۱۲)</sup>

۶ - و همچنین بموجب بعضی قوانین دعاوی مربوط به شرکت های تجارتمی <sup>(۱۳)</sup>

و نیز اسور راجع به ورشکستگی <sup>(۱۴)</sup> عملا در صلاحیت بخش چانسری قرار گرفته است.

این دادگاهها مرجع رسیدگی استینافی احکام صادره از دادگاههای کانتی نیز می باشند و قضات آنها در دوره های دادگاه های سیار فصلی شرکت نمی جویند

پ - بخش مربوط به وصایا و طلاق امور بهری <sup>(۱۵)</sup> چنانکه از نام دادگاههای

این بخش برمیآید، صلاحیت سه گانه آنها راجع است اولاً به رسیدگی بصحت وصیت نامه ها که گاه گاهی مطرح میگردند و ثانیاً امر طلاق که در ممالک اروپائی و آمریکائی متداول شده و شامل فسخ عقد ازدواج و تقاضای بطلان عقد ازدواج و نیز ناظر به تفریق جسمانی و امثال آن می باشد. این دادگاهها صلاحیت رسیدگی استینافی احکام صادره از دادگاههای

- ۱ - Chancery Division
- ۲ - Original jurisdiction
- ۳ - Appellate jurisdiction
- ۴ - Common Law
- ۵ - Equity
- ۶ - Chancery courts
- ۷ - Judicature Act. 1925, S. 56:
- ۸ - Execution of Trusts
- ۹ - Administration of estates
- ۱۰ - Partnership matters
- ۱۱ - Wardship of Infants
- ۱۲ - The care of infants' estates
- ۱۳ - Companies
- ۱۴ - Bankruptcy matter
- ۱۵ - Probate Divorce and Admiralty Division

اختصاصی (طبقه مادون) را که ، با مورزناشوئی رسیدگی نموده اند ، نیز دارا می‌باشند .  
ثالثاً این دادگاهها بدعاوی ناشی از کشتی از جمله تصادف در دریا رسیدگی نموده و در صورت احتیاج از یک نفر متخصص امور بحری استفاده میکنند .

## ۲ - دادگاههای عالی استیناف (۱)

حقوقی (۲) انجام وظیفه نموده و دارای ۸ قاضی استینافی می‌باشد (۳) دادگاه استیناف حقوقی ، با حضور سه قاضی ، تشکیل میگردد ؛ صلاحیت آنها راجع است بر رسیدگی استینافی درباره تصمیمات حقوقی ، صادره از محاکم عالی بدایت و محاکم دادگاه سپار فصلی (۴) رسیدگی استینافی احکام صادره از دادگاههای کانتی (۵) نیز در صلاحیت این دادگاهها می‌باشد ؛ مگر در مورد احکام راجع به ورشکستگی که از دادگاههای کانتی صادر شده باشد ؛ زیرا چنانکه گذشت استیناف از این احکام در بخش چانسری دادگاههای عالی بدوی رسیدگی میشود .  
درباره نحوه رسیدگی استینافی احکام حقوقی در سیستم انگلستان تذکر این نکته لازم بنظر میرسد که دادگاه استیناف هیچگاه شهود پرا ، که در مرحله بدوی گواهی داده‌اند ، مجدداً استماع نمی‌کند ؛ و همچنین دلائل جدیدی که در دادرسی بدوی ارائه نشده‌اند در مرحله استینافی پذیرفته نمیشوند . آنچه دادگاه استیناف مورد رسیدگی مجدد قرار میدهد عبارت است از جریان دعوی که در صورت مجلس های دادگاه بدوی ، بصورت یادداشت های تند نویسی (۶) نوشته شده است .

## اجازه استیناف - بطور کلی تصمیمات حقوقی دادگاه های عالی بدایت ، چه از

نقطه نظر انطباق حکم صادره با قانون و یا بعبارت دیگر از جهت امکان مخالف بودن آنها با قانون (۷) و همچنین از نظر مورد و یا بهتر بگوئیم از نظر امکان عدم تشخیص مورد و یا موضوع دعوی ، قابل شکایت استینافی می‌باشند (اصطلاح قانون (۸) و مورد (۹) در حقوق انگلستان در مباحث آینده تشریح خواهد شد) حق رسیدگی استینافی برای اصحاب دعوی ، قرارهای ویژه و دستور موقت های صادره از دادگاه بدایت ، نیز شناخته شده ؛ مگر آنکه در مورد قرارهای مزبور مربوط به امور جزائی باشند . مع هذا در بعضی موارد و بخصوص برای استیناف از احکام دادگاههای بدایت که در اجرای صلاحیت استینافیشان صادر شده ، اجازه مخصوص (۱۱) از دادگاه صادر کننده رأی و یا دادگاه استیناف ، لازم میباشد . در صورتیکه

- ۱ - The Courts of Appeal
- ۲ - Master of the Rolls
- ۳ - Lords Justices of Appeal
- ۴ - Aissze
- ۵ - County courts
- ۶ - Shorthand Notes
- ۷ - On a point of law
- ۸ - On a question of fact.
- ۹ - Law
- ۱۰ - Fact
- ۱۱ - The leave



قاضی بدوی ژوری را صحیحاً هدایت نکرده باشد، ممکن است دادگاه استیناف، دستور رسیدگی مجدد صادر کند و یا حکم بدوی را فسخ نماید (۱).

**دوم - دادگاههای استیناف جزائی (۲)** چنانکه قبلاً اشاره شد، دادگاههای سیار فصلی (۳) هر سه یا چهار ماه، در هر منطقه از کشور تشکیل میگردد و قضات منصوب از مرکز، که باین مناطق سرکشی میکنند هم به امور حقوقی و هم بمحاکمات جزائی میپردازند. دادگاه فصلی مخصوص لندن، که دادگاه جنائی مرکز (۴) نامیده میشود، به علت وجود محاکمات بیشتری، جز در مواقع تعطیلات دو ماهه تابستان، بقیه ایام سال، در خیابان الدیبللی (۵) دائر است و به همین نام نیز شناخته شده است. مرجع استینافی احکام جزائی دادگاههای سیار فصلی و همچنین رسیدگی استینافی از تصمیمات جزائی الدیبللی دادگاههای استیناف جزائی است، که فقط در شهر لندن تشکیل می یابند.

در واقع، کامن لو جز در موارد نادری که بزندانیان حق تجدید نظر در اشتباهات مسلم دادگاهها را داده، اصولاً محکومین جزائی را از حق مراجعه بدادگاههای بالاتر محروم کرده بود. در کامن لو حتی بعنوان حق استیناف از احکام جزائی شناخته نشده است؛ معیناً در ۱۸۴۸، بعضی دادگاههای کامن لو، پژوهش از احکام جزائی را از نقطه نظر انطباق با قانون، (۶) مورد بررسی قرار دادند؛ ولی در هر صورت رسیدگی پژوهشی دعاوی، از نقطه نظر امکان عدم تشخیص مورد (۷) مرتبت قبول نیافته بود؛ تا آنکه در تاریخ ۱۹۰۵ - آدولف بک نامی (۸) دو بار بمجازات محکوم، و پس از آنکه مجازات در باره او اعمال شد، معلوم گردید که این شخص مظلوم را اشتبهاً بجای مجرم واقعی گرفته و دوبار بی جهت مجازات نموده اند. این واقعه اسفناک تاریخی، که مبنی بر صدور حکم اشتباهی بود، موجب شد دادگاههای استیناف جزائی تشکیل گردد و بموجب قانون مصوب ۱۹۰۷ حق استیناف جزائی برای محکومین شناخته شد:

دادگاه استیناف جزائی از رئیس کل محاکم بدایت عالی (۹) و قضات بخش قراردادهای و خسارات (۱۰) تشکیل میگردد، جلسه دادگاه با حضور سه نفر قاضی تشکیل و قانونی میگردد. دادگاه قدرت وسیعی در تجدید نظر نسبت بمحاکمات و نیز تخفیف مجازات دارد. بموجب قانون هزینه دادرسی جزائی (۱۱)، مصوب ۱۹۰۲، دادگاه حق دارد

- ۱ - To Reverse
- ۲ - The Courts of Criminal Appeal
- ۳ - Assizes
- ۴ - Central Criminal court
- ۵ - Old Bailey
- ۶ - on a question of Law
- ۷ - on a question of Fact
- ۸ - Adolf Beck
- ۹ - Lord Chief justice of England
- ۱۰ - Queen's Bench Division
- ۱۱ - The Costs in Criminal cases Act. 1952.

پژوهشخواه را، در صورت محکومیت، به پرداخت هزینه دادرسی مرحله استینافی محکوم نماید. قانون ۱۹۰۷ به تمام محکومین جزائی اجازه میدهد که از نقطه نظر امکان مخالف بودن حکم با قانون (۱)، از حکم جزائی تقاضای رسیدگی استینافی بنماید؛ و از نقطه نظر امکان عدم تشخیص مورد، محکوم فقط در صورتی میتواند تقاضای رسیدگی استینافی کند، که بدواً، اجازه‌ای از دادگاه، صادرکننده حکم بدوی و یا از دادگاه استیناف جزائی، در این خصوص کسب نموده باشد.

در صورتیکه برداد گاه روشن گردد که نظر ژوری (۲) غیر معقول بود، یا برخلاف دلایل و شواهد داده شده، یا بجهتی از جهات دادرسی و صدور رأی، مخالف مقررات و قانون و یا برخلاف عدالت بوده، و رأی دادگاه بدوی از نقطه نظر رعایت قانون (۳)، صحیحاً صادر نگردیده است، دادگاه باید به محکوم اجازه تقدیم عرضحال استینافی اعطا نماید. پلیس یا دادستان نمی‌توانند از حکم برائت متهم تقاضای استیناف بنمایند.

**سوم - مجلس لردها - مجلس رسیدگی تمیزی (۴)** دادگاهی که در مجلس لردها از چند نفر لرد قاضی (۵) یا لرد قضائی تشکیل میگردد، مرحله نهائی رسیدگی قضائی، یا دیوان کشور در سیستم انگلستان میباشد.

لردهای غیر حرفه قضائی (۶) حق شرکت در جلسه قضائی مجلس لردها را ندارند در حدود ۹ نفر از لردهای قضائی مجلس لردها، از بین وکلاء مدافع آزموده، مجرب و مسن دادگستری (۷) که لااقل ۱۰ سال سابقه اشتغال بوکالت دادگستری دارند، و یا از بین اشخاصیکه بمقامات عالی قضائی رسیده‌اند، انتخاب میگردند که در جلسات قضائی مجلس لردها بعنوان لردهای دادگاه نهائی مجلس اعیان (۸) با حضور قاضی القضاة (۹) و قاضی القضاة سابق یا اسبق (۱۰) و نیز لردهائی که شاغل مقام‌های عالی قضائی بوده‌اند، شرکت جسته بدعاوی تمیزی، که ندره در سال از حدود تعداد انگشتان دست تجاوز می‌کند، رسیدگی نمایند.

صلاحیت دادگاه نهائی تمیزی شامل امور حقوقی و جزائی، صادره از محاکم انگلستان و ویلز، می‌باشد، دادگاه نهائی مجلس لردها صلاحیت رسیدگی به محکومیت‌های جزائی دادگاه استیناف جزائی را نیز داراست، چه محکوم و چه نماینده عموم هر دو می‌توانند

- ۱ - on a point of Law
- ۲ - Verdict
- ۳ - on a question of Law
- ۴ - The House of Lords
- ۵ - Law Lords
- ۶ - Lay Peers
- ۷ - Barristers
- ۸ - Lords of Appeal in ordinary
- ۹ - Lord Chancellor
- ۱۰ - Ex - Lord Chancellors



از مجلس لردها تقاضای رسیدگی تمیزی بکنند؛ مشروط بر آنکه دادستان کل (۱) گواهی نماید که: تقاضای تمیزی نکات قضائی و قانونی دقیقی را دربر دارد، که استثنائاً، از نقطه نظر اهمیت اجتماعی حائز اهمیت بوده و شایسته است، از لحاظ منافع عموم، در مرحله نهائی دادگاه مجلس لردها مورد شور و تصمیم قرار گیرد (۲) برای تشکیل دادگاه حضور سه نفر کافی است، لیکن اغلب تعداد شرکت کنندگان بیشتر است؛ رأی دادگاه بصورت نطق و شفاهی (۳) بوده و اتخاذ تصمیم با اخذ رأی صورت میگیرد. آراء دادگاه نهائی مجلس لردها مطلقاً و بدون استثناء برای تمام دادگاههای انگلستان و ویلز، لازم الاتباع بوده و تابع آراء قبلی خود دادگاه مجلس لردها می باشد.

**چهارم - کمیته قضائی شورای مخصوص (۴)** این کمیته از مشاورین مخصوص (۵) که شامل لردهای قاضی و مجلس اعیان و نیز بعضی قضات عالی مقام کشورهای مشترک المنافع تشکیل میگردد و کار آن رسیدگی نهائی احکام کشورهای مستعمره و تحت الحمايه بوده است. پس از آنکه بعضی کشورها ظاهراً استقلال یافتند، از مراجعه به کمیته مزبور، بمنظور رسیدگی نهائی احکام سر باز زدند؛ لذا بموجب قانون وست مینستر ۱۹۳۱ صلاحیت کمیته مزبور بموارد نادری محدود گشت، و فعلاً مرجع استینافی احکام دادگاههای مذهبی (۶) و دادگاههای جزایر جنوبی انگلستان (۷) می باشد. آراء صادره این کمیته بصورت پیشنهاد و توصیه (۸) به مقام سلطنت صادر میگردد و مانند تصمیمات دادگاههای مجلس لردها لازم الاتباع (۹) نیست بلکه ارزش راهنمایی (۱۰) را داراست. چون آراء این کمیته جنبه پیشنهاد و توصیه به شاه را دارد، طبعاً باید بالاتفاق (۱۱) اتخاذ شود و مثل آراء دیگر دادگاهها از طریق اکثریت (۱۲) و اقلیت (۱۳) اخذ نمیگردد.

( در این قسمت باید توضیح داده شود که در انگلستان Attorney General - ۱ دستگاه دادستان بمعنی سیستم لاتین موجود نیست. پلیس عمل دادستان را انجام میدهد و دادستان کل و مشاورینش که بیش از ۲ نفر وکیل مدافع دادگستری نیستند در بعضی مسائل مهم ( و اداره امور جزائی پلیس کمک و دخالت می نماید. )

۲- That the appeal "involves a point of Law of exceptional public importance and that it is desirable in the public interest that a further appeal should be brought."

۳ - Speech

۴ - The Judicial Committee of the Privy council

۵ - Privy councillors

۶ - Ecclesiastical courts

۷ - Channel Jlands

۸ - Advice

۹ - Binding

۱۰ - Persuasive

۱۱ - Unanimous

۱۲ - Majority

۱۳ - Dissending

### ۳ - داد گاههای اختصاصی (۱)

خارج از داد گاههای عمومی، که بامور قضائی محض، از قبیل جرائم و قراردادها رسیدگی میکنند؛ داد گاههای دیگری بنام داد گاههای اختصاصی (۲) یا داد گاههای اداری و وزارتی وجود دارند و بامور معمولی تری که جنبه های اداری و اجتماعی آنها حائز اهمیت است رسیدگی میکنند.

حکومت های کنونی، برای آنکه بتوانند وظائف فرد را در قبال رأی دهندگان انجام دهند با مشکلات و مسائل جدیدی که زائیده تمدن امروزی است مواجه شده اند.

پیشرفت های اجتماعی، که نتیجه تغییر سیاستها و طرز تفکر اجتماع تمدن امروزی است، موجب گردیده که مفهوم حکومت تغییر یابد؛ از طرفی تغییرات شگرفی که در اثراکتشافات علمی در وضع اقتصادی ممالک حاصل شده حکومتها را در مقابل مسئولیتهای نوینی قرار داده است. صرف نظر از کوششی که احزاب اصیل و ساخته احتیاجات مردم، در راه بهبودی شرائط زندگی افراد، بکار میبرند. اصولاً خود حکومتها و پارلمان، با وضع قوانین جدید، اقدامات مؤثری، بمنظور رفاه بیشتر حال مردم مینمایند. لذا در راه انجام وظیفه که در قبال مردم و رأی دهندگان دارند، و مسئولیتی که در این زمینه احساس می کنند ناچار در اموری دخالت مینمایند که سابقاً خارج از وظیفه آنها شمرده میشده.

در زمان گذشته، مسئولیت حکومتها منحصر به حفظ و حمایت از مالکیت خصوصی افراد و مراقبت و انجام تعهدات خصوصی بین اشخاص بوده است. این طرز تفکر اینک از بین رفته و جای خود را به نوعی تفکر اجتماعی داده که مسئولیت حکومتها را، بمنظور رفاه افراد اجتماع و ایجاد شرائط اقتصادی مناسب در کشور ما بمراتب بیشتر نموده است. نتیجه آنکه فراهم نمودن وسائل رفاه اجتماعی، از قبیل ایجاد سد - تهیه آب و برق - آماذگی شهرها برای سکونت بطرز جدید - ساختمان خانه برای افراد و تأسیس بیمارستان، مسئله روز و مشغله دائم حکومتها شده، اقدامات اساسی در امر تعلیم و تربیت، ساختمان مدارس و دانشگاهها، ایجاد سرویس های بهداشتی (۳) و تأمین وضع اجتماعی افراد (۴) جزه برنامه اصلی حکومتها می باشد. این اقدامات، که از وظائف اساسی حکومتهاست، بدون تجاوز بحقوق افراد، امکان پذیر نیست و ضرورتاً آزادی افراد را تا حد قابل ملاحظه محدود میسازد.

ساختمان مدرسه ها دردهات و شهرها - بستن سدها، که در بعضی ممالک، از ضروری ترین لوازم زندگی است - ایجاد و توزیع آب و برق - ساختمان پل و احداث جاده ها احتیاج به زمین دارد و حکومتها ناچارند از صاحبان زمین های مورد احتیاج سلب مالکیت

۱ - Special Tribunals

۲ - Administrative or Ministerial Tribunals

۳ - Health Service

۴ - Social Security

نموده و با الزام آنها بفروش اراضی نقشه خود را ادامه دهند. (۱) نتیجتاً بین انجام وظیفه حکومتها و حقوق افراد تضاد منافع ایجاد میگردد.

حکومتها از یک طرف، برای پیشرفت مقاصد و انجام مسئولیت‌های خود، محتاج بقدرت و اعمال نظر خود بوده، و از طرف دیگر چون افراد اجتماع علاقمند به ابقاء وضع سابق و استفاده از امتیازات بی‌حد و حصر خود می‌باشند، بدون توجه به رفاه حال اجتماع و با کمال بی‌اعتنائی به حقوق اجتماعی طبقه ضعیف، بسرسختی از حقوق خود و حق مالکیت خصوصی دفاع می‌کنند صاحبان امروزی این حقوق وظیفه دولت را در تأمین رفاه اجتماعی نادیده گرفته و آن را یک نوع تعدی و دخالت در امر مالکیت خصوصی و آزادی افراد می‌دانند و حال آنکه با دقت بیشتری این حقیقت آشکار میگردد که آزادی مالکیت آنهم در یک اجتماعی که حقوق افراد تماس و تعارض‌های پیچیده‌ای بایکدیگر دارند، نمیتواند بمفهوم مطلق و بدون بند و باری بکار رود. از طرفی انجام وظیفه دولتها را، که در اثر مسئولیتی که در مقابل رأی‌دهندگان دارند، نباید با دخالت دولت اشتباه کرد.

این گونه اقدامات دولتها در واقع جزء وظائفی است که اداره حکومت (۲) بر دوش آنها نهاده است و نباید آنرا با موضوع قانونگزاری (۳) و یا اعمال قضائی (۴) مخلوط کرد. البته در بعضی مواقع، بخاطر حفظ منافع اجتماع، دولت آزادی بعضی از طبقات و گروه‌های مردم را محدود نموده و دخالت‌هایی در این آزادی مینمایند. از قبیل وضع مقررات تجارت توسط دولت (۵) و یا وضع مقررات قانون استخدام (۶). ولی اقدامات اداری دولت را که تحت یک نظام اداری (۷) و یا با اجازه قانون انجام میگیرد، نمی‌توان دخالت در آزادی افراد نامید بلکه، وظائفی هستند که برعهده دولتها می‌باشند؛ از قبیل کنترل و اجرای شرائط کار و مقررات مربوط به بیمه کارگران و یا کنترل اوزان و مقادیر و یا مراقبت و دقت در

۱ - طرح و انجام برنامه‌های اصلاحی از قبیل ایجاد مدارس و دانشگاه - ساختن خانه - ایجاد راه‌های جدید - بستن سد و امثال آنها - موجب ترقی قیمت زمینهای اطراف مدارس و سدها و جاده‌ها میگردد. غالباً این زمینها بدون وجود این مؤسسات فاقد ارزش بوده و یا ارزش آنها ناچیز است و به‌حض ایجاد مؤسسات مزبور بهاء زمینهای اطراف بطور سرسام آوری ترقی میکنند. بنظر ما شایسته است حکومتها به‌وجب قانونی، خود را در ترقی زمینها و یا تأسیساتی که در اثر اقدامات و فعالیت‌های اجتماعی دولت قیمت آنها افزایش یافته، سهم نمایند و حد اکثر تا میزان هشتاد درصد ترقی زمینها و مؤسسات دیگر را متعلق حق دولت اعلام نمایند چنین قانونی با هیچیک از اصول مالکیت خصوصی منافات نخواهد داشت.

۲ - Administration

۳ - Legislation

۴ - Judiciary

۵ - Regulation for Trade

۶ - Regulation for employment

۷ - Administrative System

نظافت و شرائط نگهداری مواد غذایی و اموری از این قبیل. با این همه نکته حساس در این جا نهفته است که انجام این گونه وظائف دولت‌ها نباید بدون کنترل قضائی صورت گیرد و حکومت‌ها نباید به بهانه انجام وظائف خود مطلق العنان و بی‌رحمانه حقوق افراد را نادیده بگیرند و مردم را از آزادی و استقلال ابتکار عمل که پربهاترین ثروت اجتماعی و بالتیجه ارجمندترین پشتوانه‌ها برای خود حکومت‌هاست، محروم دارند در واقع حکومتها با احترامی که با آزادی معقول و متناسب افراد و اجتماع می‌گذارند پایه و اساس خود را مستحکم می‌سازند. چنانکه گذشت، به ثمر رسانیدن طرح‌های بزرگ اجتماعی از قبیل ایجاد سد - برق و راه‌های جدید، که پاسخ حوائج اجتماع را بدهد، احتیاج بزمین دارد، همچنین برنامه‌های توسعه مدارس و تعلیم و تربیت همگانی قبل از هر چیز به محل و مکان مناسبی برای تأسیس مدارس نیازمند است. از طرفی ممکن است اجرای برنامه‌های تعلیم همگانی آزادی پدر و مادرانی را که مخالف تحصیل فرزندانشان هستند محدود سازد و با مذهبیان خرافاتی، که علم و دانش را مانند قرون وسطی مخالف دین می‌دانستند، در مقام مبارزه برآید. الزام افراد به تبعیت از مقررات بیمه‌های اجباری (۱) غالباً با عدم تمایل و مقاومت افراد ناپخته‌ای که متأسفانه همیشه و در همه جا وجود دارند، مواجه می‌گردد. و با اینکه در غالب موارد اقدامات دولت‌ها برفع جماعت است، معهداً نمی‌توان بدون توجه با اعتراض اشخاص و بدون رسیدگی به شکایات کسانی که منافعشان بخطر افتاده، خودسرانه دست بکار عمل شد و از این رو لازم است که هنگام تضاد منافع بین وظائف دولت و حقوق افراد، فصل خصومت به یک دستگاه و مرجع قضائی احاله شود تا با رسیدگی قضائی (۲) حدود کنترل و وظائف و اختیارات حکومتها معلوم و مشخص گردد؛ هم حقوق شناخته شده افراد رعایت شود و هم عدم توجه به مقررات قابل مجازات باشد. معمولی‌ترین طریقه برای موفقیت در این طرح اجتماعی، تأسیس دادگاههای اختصاصی است، شروط برای اینکه این دادگاهها صرفاً تابع قوه قضائیه بوده و بهیچ وجه وابسته بوزارتخانه مربوط و یا تابع دستورات وزیری که نماینده قوه مجریه است نباشند و در هر صورت تصمیمات این دادگاهها قابل شکایت استینافی در محاکم عمومی دادگستری باشد.

عامل دیگری که وجود دادگاههای اختصاصی را در شئون مختلفه اجتماعات پیچیده و متمدن امروزی، ضروری می‌سازد مسئله تخصص قضات در امور مختلفه است. دامنه فعالیت‌های اجتماعی بجائی کشانده شده که لزوم تخصص را، در جمیع شئون و فنون، غیر قابل انکار مینماید. امروز، دامنه فن قضائی به حل مسائل حقوق مدنی و مالکیت و یا رسیدگی جزائی و تعیین مجازات مجرم محدود نمی‌گردد؛ حتی مفهوم قانون نیز ماهیت سابق خود را از دست داده - این طرز تفکر از مفهوم قانون که آن را بصورت یک سلسله

۱ - Compulsory Insurance

۲ - Adjudication

اواسر و نواهی تعبیرکنند و افراد را بدون چون و چرا، ملزم برعایت آن بدانند طرز تفکر قدیمی و استنباط پوسیده‌ایست از قانون و متعلق به قرون گذشته. این مفهوم و تعبیر ناقص از قانون نتیجه حکومت قوانین جزائی و حقوق سابق است که قانون را در چهارچوبه امر و نهی - اطاعت و مجازات محدود نموده و مفاهیم دیگر قانون را نادیده انگاشته کما اینکه قانون جزا از مالکیت حمایت می‌کند. و قانون مدنی، رعایت قول و قرارها و عقود و عهود را لازم می‌شمارد؛ متخلفین را یا مجازات و یا به خسارت محکوم می‌کند. در صورتیکه قانون مثل پدیده‌های دیگر اجتماعات متمدن بشری بسط و توسعه یافته و تحول و تعبیر نموده است. در اجتماعات کنونی با توجه به احتیاجات آنها و با در نظر گرفتن مفهومی که از حکومت‌های فعلی در ذهن‌ها جای گرفته و طرز تصور فراد و انتظار آنها از مسئولیت و وظائف حکومتها و همچنین طرز تفکری که هیئت‌های حاکمه نسبت به وظائف خود دارند؛ قانون را نمی‌توان صرفاً بمفهوم امر و نهی و اطاعت و ضمانت اجرا تعبیر نمود بلکه قانون وظائف دیگری را نیز بعهده گرفته و آن عبارت از مقررات و نظام صحیحی است که تهیه وسائل و امکان استفاده افراد را از مواهبی که اجتماع در اختیارشان میگذارد مجاز و یا آسان نماید، راه استفاده و امکان حصول نتیجه را، از مؤسسه مخصوص اجتماعی به آنها می‌آموزد. من باب مثال قانون افراد را ملزم به استفاده از کتابخانه‌های ملی و کتابخانه‌های دولتی که در شهرها و تمام دهات ممالک متمدنی مفتوح اند، نمی‌کند. و یا افراد را اجبار به عضویت و استفاده از شرکتهای تعاونی و روستائی و امثال آن نمی‌نماید؛ بلکه در صورت تمایل آنها به استفاده و یا عضویت مؤسسات مزبور، مقرراتی وجود دارد که دانستن و تبعیت آنها استفاده از فعالیت‌ها و مؤسسات اجتماعی را امکان پذیر میسازد. چنانکه در بعضی موارد، قانون مفهومی جز این ندارد که مثلاً اگر سرمایه هر شرکت تعاونی روستائی بحد معینی برسد حکومت با پرداخت دو برابر آن به نفع شرکت مزبور وسائل مفید کشاورزی در اختیار آن شرکت میگذارد. و یا مقررات خاصی برای استفاده از کتابخانه و یا استفاده از سرویس‌های بهداشتی ملی جنبه امر و نهی قانونی، بصورت قدیم، ندارد؛ بلکه مقررات قانونی اسروزی، بسبب بسط و توسعه روز افزون تمدن، بطور متنوع و متعددی، ایجاد گردیده و دستگاههای مربوطه بآنها وظائفی را انجام می‌دهند؛ که جنبه قضائی صرف بمفهوم وظیفه دادگاههای عمومی ندارد و جنبه‌های قضائی و شبه قضائی آنها خارج از دامنه عملیات قضائی دادگاههای حقوقی و جزائی است و از این رو اطلاع قضائی مخصوص در حدود آن فعالیت‌ها و تخصص و تبحر در آن نوع امور از شرایط اتخاذ تصمیم می‌باشد باین جهات و با توجه به توضیحات فوق، لزوم دادگاههای اختصاصی را نمی‌توان منکر شد؛ ولی همانطور که قبلاً اشاره شد؛ دادگاهها فقط موقعی میتوانند مفید واقع شوند که صرفاً تحت نظر قضات متخصص اداره شده

وتابع وزارتخانه مربوط و یا نمایندگان دستگاه مجریه مربوطه اداره نشوند و در هر صورت مرحله استینافی آنها بداد گاههای عمومی احاله شوند. (۱)

پس از ذکر مقدمه فوق اینک بشرح مختصری از بعضی داد گاههای اختصاصی سپرداریم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱ - متأسفانه در کشور ایران داد گاههای اختصاصی متعددی وجود دارند که مانند داد گاههای امور مالیاتی که تشخیص میزان مالیات و حتی صدور اجرائیه های مالیاتی بعهده آنها واگذار شده؛ بدون آنکه مالیات دهنده حق رجوع بداد گاههای عمومی را داشته باشد مهمتر از همه آنکه اعضاء داد گاهها از نمایندگان قوه مجریه از قبیل نماینده وزارت کشور - نماینده وزارت دارائی و یک نفر اعزامی از داد گستری تشکیل می گردد که این برخلاف اصل حکومت قانون و استقلال قوه قضائیه است. در دیگر داد گاههای اختصاصی وضع بهتر از این نیست.